

بهار خدا

روقلوهای دندان خزرگوشی

۲

سمانی و سمیلی و کله‌پوک‌های مدرسه

هوپا

Hoopa

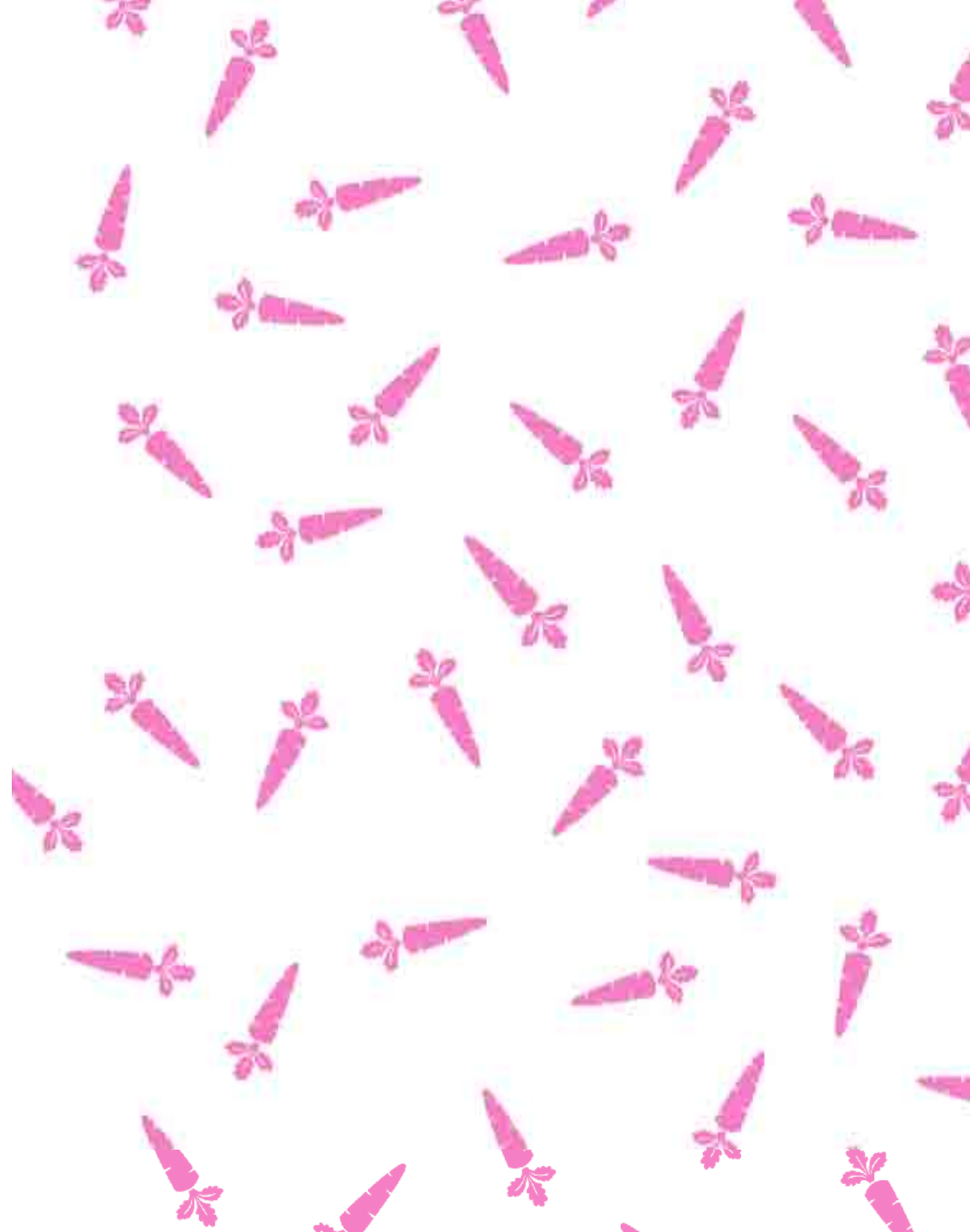
روقلوهای دندان خزگوشی

۲

سمانی و سمیلی و کله‌پوک‌های مدرسه



نویسنده و تصویرگر:
سمانه قاسمی





سرشناسه: قاسمی، سمانه، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: سمانی و سمیلی و کلهپوک‌های مدرسه / نویسنده و تصویرگر سمانه قاسمی.
 مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص: مصور.
 فرمست: دوقلوهای دندان خرگوشی، ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۹۸-۴ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۹۶-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: گروه سنی: ب.
 موضوع: داستان‌های تکانی مصور
 موضوع: Comic books, Strips, etc
 موضوع: داستان‌های حیوانات
 موضوع: Animals-- Fiction
 موضوع: مدرسه‌ها -- داستان
 موضوع: Schools -- Fiction
 رده‌بندی دیویی: ۱/۵ ۷۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۹۲۷۱۲

دوقلوهای دندان خرگوشی ۲

سمانی و سمیلی و کلهپوک‌های مدرسه

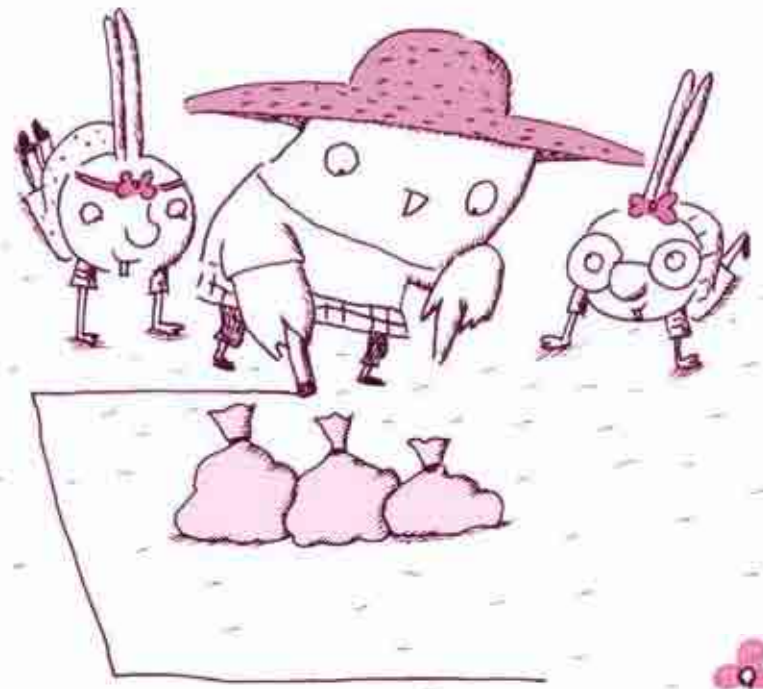
نویسنده و تصویرگر: سمانه قاسمی
 ویراستار: فرزانه فرزانیان
 طراح گرافیک: فریبا دولت‌آبادی
 چاپ اول: ۱۳۹۹
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۹۶-۰
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۹۸-۴



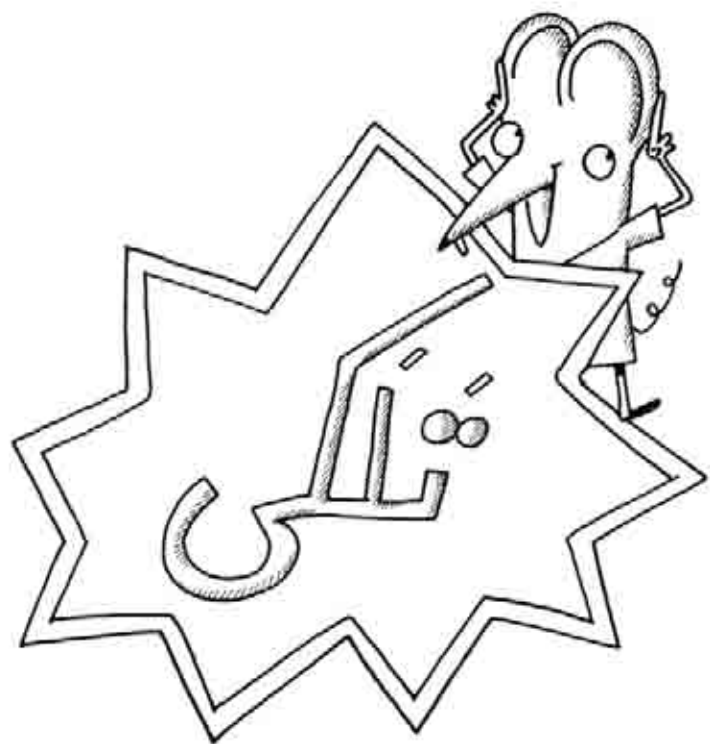
آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ | تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵
 همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

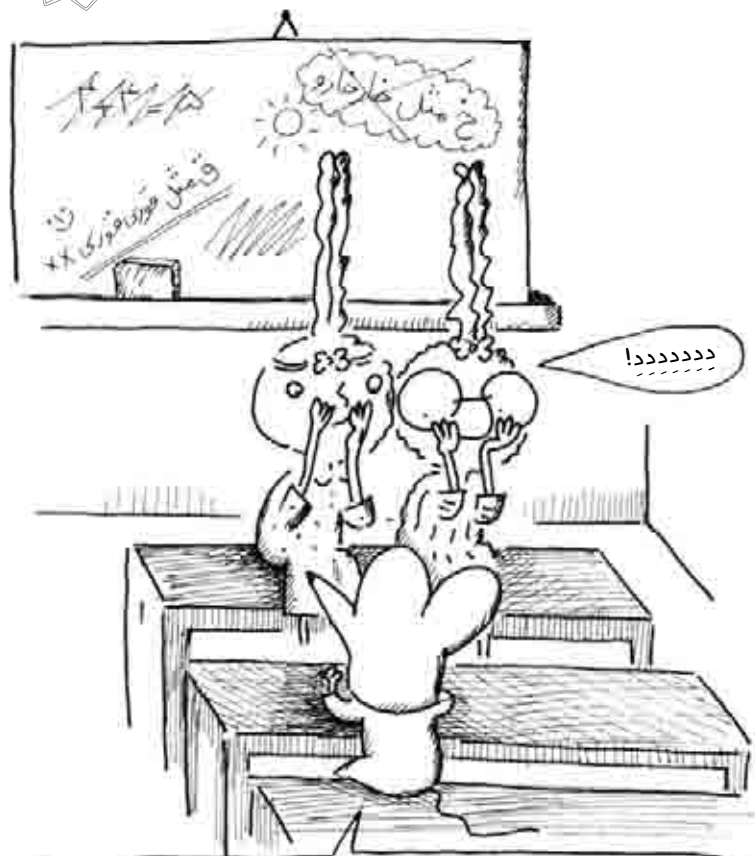
www.hoopa.ir
 info@hoopa.ir

تقدیم به مادر خدانم

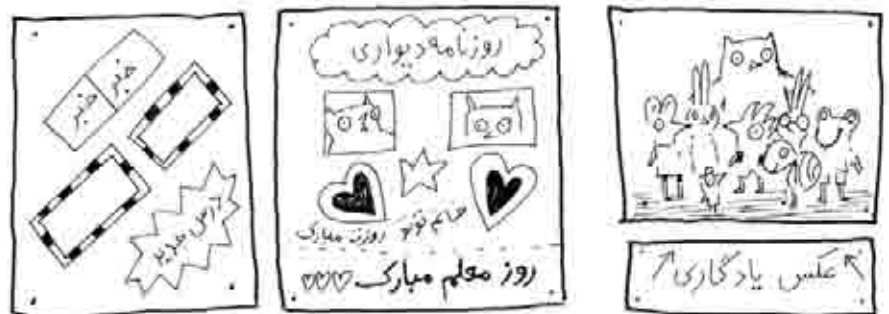








سمیلی، سمانی، چقدر شما ترسوید! من که هنوز چیزی نگفتم!
تازه اولش است!



چند روز بود که مولی حرف‌های عجیب و غریبی می‌زد.
درباره‌ی موجودی نامرئی حرف می‌زد که هیچ‌کس جز خودش
نمی‌توانست ببیندش.



واقعاً واقعاً هیچ کس هیچ کس نمی توانست تکی را ببیند.



مولی، اگر مامانت زنگ زد بگو من دیر می رسم. می خواهم یک ماشین مسابقه ای برای خودم بخرم.

نه خواهی مغرورش!

نه باباش!



مولی، توی اتاق من نیا! می خواهم تنهایی آواز بخوانم.



نه مامانش!

مولی، من دارم می روم مهمانی. مشق هایت را ببویس تا برگردم!

یعنی می شود؟



شاید ما بتوانیم ببینیمش.





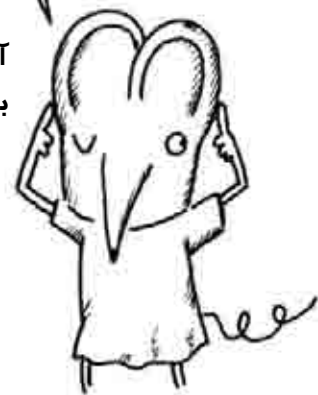
تلکی همیشه یک بارانی سیاه می پوشد
که رویش یک عالمه ستاره های طلایی براق
دارد. قرار است آن را بدهد به من.



یک اسب هم دارد که درست
هم رنگ بارانی اش است و با همان می آید پیش
من. من همیشه به اسبش تُریچه می دهم.

مولی برای دیدن تلکی خیلی کار سختی نمی کرد. فقط چشم هایش
را می بست و دو وَرِ کله اش را با دو انگشتش فشار می داد و
سه بار می گفت:

«این ولکی! اون ولکی!
بیا تلکی!»



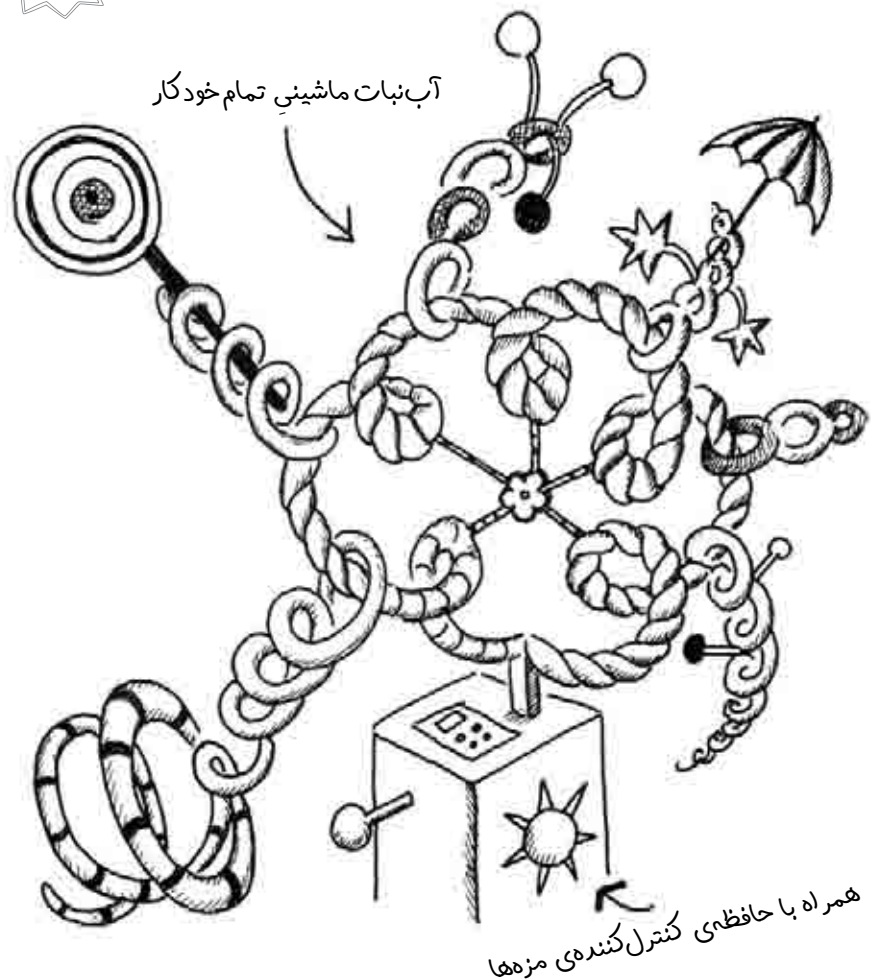
آن وقت بود که تلکی مثل
برق و باد ظاهر می شد.



آخه من فقط می توانم
یک وَرِ کله ام را بگیرم!



بیا ما هم همین را بگوییم.



خودش و اسبش خیلی هم شکمو هستند.
من برایشان چیزهای خوشمزه می‌خرم. آن‌ها هم
برای من خوردنی‌های عجیب و غریب می‌آورند.

چیزهایی مثل ساندویچ
همبرگر سیصد طبقه.



این ولکی! اون ولکی! بیا تلکی!

شاید بشود با همین یک ور سر
هم کاری کرد!





شاید باید چیزهای دیگری
بگویم.



نیامد که!

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کِرم استفاده می‌کند: زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر